

برای رسیدن به قله، نقشه راه لازم است. ما به آن احکام می‌گوییم. تو هر اسمی دوست داشتی روی آن بگذار #احکام



خودِ خودِ خودت باش

محمد رضا میرزایی

مثلاً دوست شما شاید استعداد پزشک شدن داشته باشد، ولی شما حتی نتوانید در رشته تجربی تحصیل کنید. اما آیا همه موفقیت‌ها به پزشکی ختم می‌شوند؟ خیر شما هم می‌توانید در رشته خودتان مشاور یا فن‌ورز (تکنسین) موفق شوید. یا حتی نقاش و خطاط خوبی شوید. دوست شما ممکن است بدنی آماده برای ورزش داشته باشد و شما ذهنی آماده برای برنامه‌نویسی. علاوه بر این می‌توانید از استادان و مشاوران این رشته هم کمک بگیرید. حتی مؤسسه‌های معتبری هستند که با آزمون‌های استاندارد می‌توانند در کشف استعداد به شما کمک کنند.

پس از کشف استعداد و مشاوره ممکن است مشخص شود شما در چند رشته توانایی تحصیل دارید. بهتر است آن‌ها را اولویت‌بندی کنید و سپس با توجه به علاقه خود و امکانات موجود، به سراغ یکی از آن‌ها بروید. شاید اولویت اول شما رشته «آ» باشد، ولی به خاطر شرایط خاص باید در رشته «ب» درس بخوانید که اولویت دوم شماست. اشکالی ندارد. آن را قدر بدانید و با تمام توان کوشش کنید که در آن رشته متخصص شوید. در همه این مرحله‌ها از یاد خداوند و دعا غافل نشوید. در کنار تلاش و کوشش، یکی از بال‌های توفیق هر انسانی قطعاً توجه خداوند متعال است.

کشف استعداد، به خصوص امروزه، شاید کار سختی نباشد. ما تا الان باید متوجه استعدادهای واقعی خود شده باشیم. برای کشف استعداد قدم اول این است که با زندگی در دنیای واقعی خودمان، بدون توجه به هیاهوهای بیرونی، به درون و وجود خودمان توجه کنیم. شاید با دیدن افراد مشهوری مثل بازیکنان فوتبال و بازیگرها، ما هم وسوسه شویم در این مسیرها قدم برداریم؛ چنانچه بسیاری از افراد رفتند و اتفاقاً موفقیتی کسب نکردند. چرا؟ چون به جای کشف استعداد به دنبال علاقه کاذب رفتند؛ علاقه‌ای که با هیاهوی رسانه‌ای ایجاد شده بود.

همه نمی‌توانند و قرار نیست هنرپیشه یا بازیکن فوتبال شوند و شهرت هم فقط در همین چیزها نیست. بسیاری از نویسندگان، شاعران، پزشکان، مداحان، سخنوران و متخصصان در رشته خود مشهورند. هرکسی خودش می‌داند با توجه به توانمندی‌های ذهنی، جسمی و حتی امکانات محیطی و خانوادگی، در چه زمینه‌ای می‌تواند فعالیت کند. ممکن است دوست صمیمی شما در همه این زمینه‌ها با شما متفاوت باشد، شما نباید حتماً بخواهید مثل او بشوید. شما می‌توانید خودتان باشید و بسیار موفق‌تر.

معصومه زارع

کتاب زندگی

در لابه لای قصه هایش قد کشیدم
راه زمین تا آسمان ها را دویدم
در بوستان شعر باغ کودکی ها
می خواندم و شاخه به شاخه می پریدم
در سایه انبوه پرسش های ذهنم
نور جوابی در پس هر برگ دیدم
مادر مرا با خط زیبا هر چه آموخت
من در کتاب زندگی ام می کشیدم
من دانش آموز کلاس درس بابا
صد نکته با عشق از زبانش می شنیدم
دستم میان پینه های دست گرمش
با شوق می رفتم کتابی می خریدم
هر جرعه ای می ریخت در کامم معلم
من طعم شیرین خدا را می چشیدم
من از کنار واژه ها، از بین خط ها
در ابتدای راه دانایی رسیدم

اگر کفشی از ما گم شود، مدام
دنیا بش می گردیم، ولی گاهی خودمان
را گم می کنیم و ناراحت هم نمی شویم.
#تلنگری برای رشد